

ازدواج مسأله‌دار زوج‌های مطلقه: یک مطالعه کیفی

شهلا خسروان^۱، مهدی مشکی^۲، علیرضا مسلم^۳، وجیهه آرمان مهر^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: با وجود این که طلاق با ازدواج مرتبط است و در بیشتر موارد به دنبال ازدواج غیر موفق به وقوع می‌پیوندد، اما چگونگی ازدواج در زوج‌های مطلقه کمتر مورد بررسی قرار گرفته است.

روش: پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی اکتشافی انجام گردید. مصاحبه‌های عمیق بدون ساختار با ۱۲ فرد مطلقه انجام گرفت و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش مقایسه مداوم تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: درون‌مایه اصلی به دست آمده، «ازدواج مسأله‌دار» با دو طبقه فرعی «انگیزه‌ها و چگونگی» بود. طبقات فرعی از دو زیرطبقه «ملاک‌های همسرگزینی» و «شرایط تصمیم‌گیری برای ازدواج» تشکیل شد. به نظر می‌رسد که کارکرد سنتی ازدواج حتی در جوامع کوچک و سنتی در حال تغییر می‌باشد و تمایل به پایان دادن ازدواج‌های همراه با نارضایتی از سوی زوجین افزایش یافته است.

نتیجه‌گیری: از آن جا که بیشتر طلاق‌ها با انجام ازدواج دارای مشکل به خصوص در شرایط تعجیل، شناخت ناکافی و اجبار آغاز شده‌اند، بنابراین لازم است مراسم ازدواج به گونه‌ای اجرا گردد که جو حاکم منجر به پایداری و تداوم زندگی زوجین پس از ازدواج شود.

کلید واژه‌ها: ازدواج، طلاق، مطالعه کیفی

ارجاع: خسروان شهلا، مشکی مهدی، مسلم علیرضا، آرمان مهر وجیهه. ازدواج مسأله‌دار زوج‌های مطلقه: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۴؛ ۴ (۲): ۱۱۲-۱۲۴.

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۲/۷

- ۱- دانشیار، گروه پرستاری بهداشت جامعه و روان، دانشکده پرستاری و مامایی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۲- دانشیار، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت و گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران
- ۳- استادیار، گروه بیهوشی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران
- ۴- پژوهشگر، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت، دانشگاه علوم پزشکی گناباد، گناباد، ایران

Email: drmoshki@gmail.com

نویسنده مسئول: مهدی مشکی

مقدمه

طلاق به عنوان یک راه‌حل ممکن تأیید نشده برای حل تضادهای ازدواج در بسیاری از جوامع در نظر گرفته شده است و یک شاخص تغییر اجتماعی محسوب می‌گردد (۱). طلاق توسط افراد زیادی در کشورهای صنعتی تجربه شده؛ به طوری که درصد طلاق به ازدواج ۵۰ تا ۷۰ گزارش شده است (۲)، اما این مقوله در کشورهای اسلامی مانند ایران که ازدواج در آن مبانی فرهنگی و مذهبی دارد، در حال افزایش می‌باشد (۳). بر اساس آمار سال ۱۳۸۸، میزان طلاق برابر با ۱۳/۸ درصد بود و خراسان رضوی بعد از تهران دومین رتبه طلاق را در کشور داشت (۴).

طلاق از طرف متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی به گونه‌های متفاوتی مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است. برخی پژوهشگران پیامدها و برخی علل طلاق را بررسی نموده‌اند. از نظر آن‌ها بیشترین علت اختلاف و تقاضای طلاق، عدم تفاهم اخلاقی است و اعتیاد، مشکلات روانی، دخالت خانواده و اطرافیان، بیکاری، ازدواج مجدد، انحراف اخلاقی هر یک از طرفین (۵-۱۰)، اشتغال زنان و پذیرش اجتماعی طلاق (۱۱) و بلوغ ناکافی (۱۲) از دیگر علل مطرح شده برای طلاق می‌باشند.

White با مرور مطالعات مرتبط با طلاق، گزارش کرد که بیشتر مطالعات عوامل ساختاری و اطلاعات دموگرافیک را مد نظر قرار داده‌اند و مهم‌ترین عوامل ساختاری مؤثر بر طلاق را قوانین، تغییرات دوره‌ای، وضعیت اقتصادی، نسبت‌های جنسی، نقش‌های جنسیتی و ارزش‌های اجتماعی معرفی نمود (۱۳). Ferraro و Rasmussen این دلایل را علت طلاق ندانستند، بلکه آن‌ها این مشکلات را ابزاری برای خاتمه دادن به یک موقعیت غیر قابل تحمل از طریق طلاق می‌دانند (۱۲).

برخی پژوهشگران معتقد هستند که طلاق در لحظه‌ای از زمان ایجاد نشده است، بلکه فرایندی است که در دوره‌ای از زمان ایجاد می‌شود. بر این اساس، برخی پژوهشگران دوره‌های گذر برای طلاق را بیان نموده‌اند که اغلب با تجربه بحران عاطفی دو همسر آغاز می‌شود و با سعی در حل مشکلات زناشویی از طریق جدایی خاتمه می‌یابد (۱۴). با در

نظر گرفتن طلاق به عنوان یک فرایند و نه یک رویداد، بیشتر پژوهشگران طلاق را در سه مرحله کلی «قبل از جدایی، انتقال و بازسازی و نفاخت و نوسازی» تقسیم می‌کنند که مرحله قبل از جدایی با تصمیم‌گیری و اقدام برای طلاق قانونی پس از ازدواج همراه می‌باشد. این در حالی است که اولین مرحله برای تشکیل خانواده، ازدواج و انتخاب همسر است که موفقیت در سایر مراحل زندگی به موفقیت این مرحله بستگی دارد (۱۵).

ازدواج بر اساس بنیان‌های نامناسب، طلاق را به صورت بالقوه با خود به همراه دارد (۱۶). هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات مشخص در مورد این که همسرشان چگونه با او رفتار خواهد کرد، آغاز می‌نمایند که برآورده نشدن این انتظارات، موجب نارضایتی و پشیمانی آن‌ها خواهد شد (۱۷). بنابراین با وجود این که طلاق با ازدواج مرتبط است و در اغلب موارد به دنبال ازدواج غیر موفق و نارضایتی از ازدواج به وقوع می‌پیوندد، اما نقش چگونه انجام شدن ازدواج‌ها در امر طلاق کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با این که چرایی و چگونگی انتخاب همسر برای ازدواج تحت شرایط خاص با ویژگی‌های متعدد فرهنگی و اجتماعی جوامع و نه فقط علاقمندی‌ها و تصمیمات فردی مرتبط است، اما اغلب مطالعات به بررسی معیارهای انتخاب همسر آن هم از سوی افراد در شرف ازدواج با استفاده از پرسش‌نامه‌های دارای محتوای مشابه پرداخته‌اند (۱۸، ۱۹). بنابراین برای دستیابی به جزئیات بر اساس تجربه درک شده در زمینه فرهنگی، پژوهش حاضر با هدف تبیین چگونگی انجام ازدواج در افراد مطلقه با استفاده از روش کیفی انجام شد تا درک بهتری از پدیده مورد مطالعه فراهم شود.

روش

این مطالعه از نوع کیفی اکتشافی بود و در شهرستان گناباد یکی از شهرهای قدیمی و سنتی استان خراسان رضوی انجام شد که بر اساس آمار، طلاق در آنجا روند رو به رشدی دارد (۷، ۴). نمونه‌گیری برای انتخاب مشارکت کنندگان، به

محتوای کیفی با استفاده از اصول اولیه گراند تئوری شامل تولید و تحلیل هم‌زمان داده‌ها، مقایسه مداوم داده‌ها و تشخیص کدهای واقعی (۲۱) استفاده شد. مصاحبه‌ها لغت به لغت بازنویسی گردید و سپس کدهای باز از طریق مقایسه مداوم (Constant comparison method) بر اساس شباهت‌ها و اختلاف‌ها طبقه‌بندی شد تا درون‌مایه‌های اصلی و معنی‌دار ایجاد گردد (۱۳). تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی طبقات ادامه پیدا کرد.

برای افزایش اعتماد مطالعه، پس از کدگذاری اولیه، نویسندگان در تحلیل داده‌ها شرکت نمودند و توافق برای انتخاب معنای واحدها، فرایند کدگذاری و طبقات در جلسات گروهی به دست آمد. همچنین، از شیوه کنترل فردی برای توافق میان نظرات نویسندگان با برخی مشارکت کنندگان برای دستیابی به صحت آنچه بازنویسی شده بود و آنچه آنان تجربه کرده بودند، استفاده شد و در مواقع ضرورت برای رفع ابهامات و یا کسب اطلاعات بیشتر دوباره با مشارکت کنندگان تماس گرفته شد و ۴ مصاحبه تکمیلی انجام گرفت.

به منظور رعایت اخلاق، تحقیق حاضر به وسیله کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی گناباد تأیید گردید. داده‌ها پس از توضیح اهداف تحقیق به مشارکت کنندگان و امضای فرم موافقت‌نامه آگاهانه آنان برای شرکت در پژوهش و ضبط صدا، جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها در محیط‌های امن و در زمان و مکان مورد نظر شرکت کنندگان مانند محل زندگی و یا مرکز تحقیقات دانشگاه انجام گرفت. جلوگیری از آسیب روحی، جسمی و اجتماعی ناشی از مصاحبه و نیز قطع مصاحبه در صورت امکان بروز آسیب مد نظر قرار داشت. آزاد بودن برای پاسخ دادن و یا ندادن به سؤالات، ختم مصاحبه به تمام مصاحبه شونده‌گان و حق خروج از مطالعه در هر زمان قبل و بعد انجام مصاحبه داده شده بود. هزینه رفت و آمد به محل مصاحبه همراه با هدیه‌ای به مشارکت کنندگان داده می‌شد. اگرچه به منظور حفظ انسجام، مصاحبه‌ها تحت نظارت و حضور نویسنده اول و با کمک مصاحبه‌گران همکار صورت می‌گرفت؛ اما به منظور رعایت مسایل فرهنگی و اخلاقی، مصاحبه با مشارکت کنندگان مرد در مواقع ضروری

صورت هدفمند انجام گرفت. شرکت کنندگان زنان و مردانی بودند که هنگام انجام مطالعه برای اولین بار و به طور رسمی طلاق گرفته بودند. برای دسترسی به حداکثر تنوع در تجربیات مشارکت کنندگان، موارد متعددی مانند طول مدت زندگی مشترک، طول مدت طلاق، وضعیت اشتغال، داشتن یا نداشتن فرزند، نحوه آشنایی و چگونگی تصمیم‌گیری برای ازدواج متقاضی شده یا خوانده شده برای طلاق بررسی گردید. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق بدون ساختار و چهره به چهره جمع‌آوری شد و پس از دریافت مشخصات دموگرافیک و همچنین رضایت‌نامه کیفی برای مشارکت آگاهانه در طرح، با استفاده از سؤال کلی «چطور ازدواج کردید؟» آغاز گردید و بر اساس چگونگی پاسخگویی مشارکت کننده به سؤال، روند پرسش و پاسخ با توجه به اهداف و به وسیله سؤالات تکمیلی مانند «نقش خانواده در انتخاب همسران چه بود؟» ادامه یافت.

برای افزایش کیفیت مصاحبه و حفظ موازین اخلاقی، تکنیک‌هایی مانند عدم شروع فی‌البداهه مصاحبه، ارایه بازخورد، پرهیز از القای نظرات به مصاحبه شونده، تکنیک واری کردن، جلب اعتماد، پیشگیری از آسیب روانی، اجتماعی و جسمی و قطع مصاحبه در صورت لزوم (۲۰) مورد توجه محققین بود. انتخاب مشارکت کنندگان از نمونه‌های دارای تجربه در دسترس آغاز شد و سپس با توجه به در اختیار بودن لیست افراد مطلقه و نیز امکان دسترسی به مطلقین دارای فرزند و برخوردار از پوشش حمایتی و همچنین بر اساس هدف حداکثر تنوع مشارکت کنندگان، از آن‌ها برای انجام مصاحبه دعوت به عمل آمد. مشارکت کنندگان بر اساس ابراز تمایل شفاهی و کتبی به انجام مصاحبه و ضبط آن و بیان تجربیات خود وارد مطالعه شدند. جریان مصاحبه آزاد و بر اساس پاسخ‌های ارایه شده به سؤال اولیه بود. هر جلسه بین ۶۰-۱۲۰ دقیقه بر حسب حوصله و تمایل به بیان مطالب توسط مشارکت کنندگان به طول انجامید. در مجموع ۱۲ مشارکت کننده در مطالعه شرکت نمودند و ۱۶ مصاحبه تا رسیدن به اشباع اطلاعاتی انجام گرفت.

جهت تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از روش تحلیل

و تمایل مشارکت کنندگان توسط پژوهشگران مرد به تنهایی ادامه می‌یافت.

یافته‌ها

۱۲ نفر (۴ نفر مرد و ۸ نفر زن) در پژوهش شرکت کردند و مدت زندگی مشترک آن‌ها بین ۸ ماه تا ۱۸ سال بود. ۳ نفر آن‌ها در دوران عقد و بقیه پس از ازدواج طلاق گرفته بودند. ۵ نفر آن‌ها فرزند نداشتند و بقیه ۱ یا ۲ فرزند داشتند. سطح تحصیلات آن‌ها در محدوده ابتدایی تا تحصیلات دانشگاه متغیر بود.

«ازدواج مسأله‌دار» درون‌مایه اصلی و «انگیزه‌ها و چگونگی ازدواج» دو طبقه اصلی به دست آمده از پژوهش حاضر بود. طبقه دوم خود نیز از دو زیرطبقه «ملاک‌ها و معیارهای همسرگزینی و شرایط تصمیم‌گیری برای ازدواج» تشکیل شد.

انگیزه‌های ازدواج

مشارکت کنندگان پژوهش با انگیزه‌های متفاوت شخصی ازدواج کرده بودند. تعداد کمی از آنان علاقه و وابستگی عاطفی به همسر را دلیل ازدواج خود بیان کردند و این در حالی بود که بیشتر مشارکت کنندگان بی‌تفاوتی احساسی و برخی حتی احساس عدم علاقه و تنفر نسبت به همسرشان را در موقع ازدواج بیان کردند. شرکت کننده مرد ۲۸ ساله‌ای گفت: «من توی یک اردوی دانشجویی دیدمش و با اون آشنا شدم. از چهره و زیبایی اون خوشم اومد و بهش گفتم... اونم گفت اگه قصد ازدواج داری بیا خواستگاریم».

پیر کردن خال پدر از دست رفته در کودکی، یکی دیگر از انگیزه‌های ازدواج بود. شرکت کننده خانمی که در ۱۹ سالگی ازدواج کرده بود، بیان کرد: «پدرم قبل از تولدم فوت کرده بود. من بر اساس صحبت‌های مادرم از پدرم، مرد را با ویژگی‌های خاصی در ذهنم داشتم. من به دنبال یک بالاتر، تکیه‌گاه و یک فرد عاقل‌تر از خودم بودم. در اولین نشستی که داشتم، اون همونی بود که می‌خواستم... سن و سالش ۱۰ سال از من بزرگتر بود. یک مرد جاف‌تاده و... فکر می‌کردم کمبود پدر برای من و مادرم جبران شود».

تأمین نیازهای جنسی انگیزه دیگر انجام ازدواج به خصوص برای مشارکت کنندگان مرد بود: «من دامادی بودم (نیاز جنسی داشتم)... برای همین هم داماد شدم و ازدواج کردم».

برخی مشارکت کنندگان نیز با هدف دستیابی منفعت مالی مانند تأمین اقتصادی شدن از سوی همسر و یا خانواده او اقدام به ازدواج نموده بودند. خانمی که در ۱۷ سالگی ازدواج کرده بود، اظهار داشت: «پدر من دو تا زن داشت و وضعیت مالی خوبی نداشت. من با این شوهرم بر خلاف موافقت خانواده‌ام ازدواج کردم؛ در حالی که اون زن و بچه هم داشت، اما وضع مالی خیلی خوبی داشت».

چگونگی تصمیم‌گیری برای ازدواج

چگونگی ازدواج در دو زیرطبقه «ملاک‌ها و معیارهای همسرگزینی» و «شرایط تصمیم‌گیری منجر به ازدواج» تقسیم‌بندی شد.

ملاک‌ها و معیارهای انتخاب همسر

این ملاک‌ها در شش زیرطبقه ملاک‌های «رفتاری، تمکن و تلاش اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی و مذهبی، عاطفی-روانی، زیستی و خانوادگی» مورد انتظار همسر توضیح داده شد. ملاک‌های رفتاری: این زیرطبقه به بیان ویژگی‌های مورد انتظار همسر از شریک خود در ارتباط با خودش، خانواده و جامعه پرداخت.

همسر کامل و بالغ بودن (Full fillment) که بر انتظار از همسر در خصوص کامل و بدون نقص بودن و توان حل هر نوع مشکل اشاره داشت: «من مرد را با ویژگی‌های خاصی در ذهنم داشتم. فکر می‌کردم مرد نباید ویژگی‌های بچه‌گانه‌ای داشته باشه. فکر می‌کردم یک مرد نمی‌تونه یا نمی‌دونم. فکر می‌کردم خیلی از مسایلو باید بفهمه، می‌تونه خیلی از مشکلات را حل کنه که زن نمی‌تونه... توی همه زمینه‌ها باید تکیه‌گاه من باشه. من به دنبال یک بالاتر، تکیه‌گاه و عاقل‌تر از خودم بودم».

سایر ملاک‌های رفتاری مورد انتظار از همسر شامل «اهل زندگی بودن، اجتماعی و اهل معاشرت بودن، غیرت، صداقت، خوش اخلاق بودن، فروتنی و پرهیز از غرور، حرف‌شنوی و

تبعیت از همسر، نجابت، پرهیز از خشونت، محبوب و باوفا بودن و نداشتن اعتیاد» بود.

تمکن و تلاش اقتصادی: برخی از مشارکت‌کنندگان به توان و شرایط بالقوه برای تأمین اقتصادی مانند آینده‌نگر بودن و داشتن برنامه اقتصادی برای زندگی و اهل قناعت بودن اشاره کردند: «من آینده‌نگر بودم... مردی که می‌گه زندگی و همسر را دوست دارم، باید بره دنبال کار و درآمد داشته باشه».

برخی دیگر شرایط اقتصادی موجود مانند همکاری در تأمین هزینه‌های زندگی، داشتن شغل و تمکن مالی را برای انتخاب همسر مطرح کردند. خانمی که با شوهرش با وجود داشتن همسر و دو فرزند ازدواج کرده بود، گفت: «آدم میلیاردی بود، پولدار بود، تیپ و قیافه‌اش هم خوب بود، اما بیشتر به خاطر پولش باهاش ازدواج کردم».

ملاک‌های فرهنگی- اجتماعی و مذهبی: در این بعد مشارکت‌کنندگان به ملاک‌های فرهنگی- اجتماعی و مذهبی مورد نظر خود برای همسر اشاره کردند. رعایت حدود ارتباط با محارم و نامحارم، حجاب و انجام دستورات شرعی، اهل نماز بودن و خواندن قرآن و لباس پوشیدن مطابق با فرهنگ را مطرح نمودند که در عبارات زیر به برخی از آن‌ها اشاره شده است: «درآمد زیاد برام مهم نبود، می‌خواستم اهل زندگی باشه، قرآن خون و مؤمن باشه...». «من دوست نداشتم همسر با نامحرم دست بده یا دراز بکشه و یا پیام تلفنی رد و بدل کنه یا توی این شهر با مانتو راه بره... در حالی که بیشتر چادری هستند».

ملاک‌های عاطفی- روانی: در این قسمت ملاک‌های علاقه داشتن به همسر، خانواده محور بودن، ابراز علاقه و محبت کردن کلامی به همسر، توان برقراری روابط جنسی با همسر و تمکین جنسی مطرح شد.

ملاک‌های زیستی: در این ارتباط سیمای زیبا (به خصوص برای خانم‌ها) و فیزیک بدنی مورد پسند، تفاوت سنی مناسب به ویژه بیشتر بودن سن مرد نسبت به زن مد نظر بود. برای نمونه خانم ۳۰ ساله‌ای بیان کرد: «اون (همسر مرد) یک سال از من کوچک‌تر بود، گفتم من اینو نمی‌خوام».

ملاک‌های خانواده برای ازدواج: خانواده‌های مشارکت‌کنندگان معیارها و ملاک‌های دیگری را مد نظر قرار دادند و تصمیم‌گیری نهایی برای ازدواج اغلب با والدین و بر اساس همین معیارها صورت گرفته بود. تعیین مهریه مناسب، داشتن خانه، برگزاری مراسم ازدواج، قوم و خویش بودن یا نبودن، داشتن خانواده خوشنام، اشتغال همسر، داشتن خانواده متمکن و تأیید شدن توسط جامعه و راویان، ملاک‌های بیان شده مورد نظر خانواده‌ها بود. خانم ۲۵ ساله‌ای گفت: «پدرم آدم سخت‌گیری برای مهریه بود. برای سایر خواهرام که شوهراشون قوم و خویش هم بودند، خیلی سخت‌گیری کرد... مهریه‌ای را که آورده بودند، ۵۰ میلیون سکه بود». «من چند تا خواستگار دیگه هم داشتم... اما چون قوم و خویش بودند، پدرم قبول نکرد».

شرایط تصمیم‌گیری منجر به ازدواج

شرایط تصمیم‌گیری منجر به ازدواج، جو حاکم در هنگام تصمیم‌گیری برای ازدواج را نشان می‌دهد و شامل اجبار، شتاب‌زدگی، عدم شناخت کافی، انتظارات غیر متعارف، انتظارات بیان نشده، کتمان و پنهان کاری و سهل‌انگاری می‌باشد.

اجبار: اغلب مشارکت‌کنندگان در شرایط اجبار اقدام به ازدواج نموده بودند. برای تعدادی از شرکت‌کنندگان تحمیل و اجبار به ازدواج با همسر از سوی خانواده انجام گرفته بود و در مواردی نیز اجبار به پذیرش ازدواج از سوی همسران به خانواده تحمیل شده بود؛ به طوری که بین فرد ازدواج‌کننده و خانواده وی همدلی و رضایت مشترکی برای انجام ازدواج وجود نداشت. خانمی که در ۱۹ سالگی ازدواج کرده بود، گفت: «هنوز یک ربع ساعت بود که ما با هم صحبت می‌کردیم تا این‌که مادر ایشان داخل اتاق شد و گفت ما رفتیم کسی را آورده‌ایم که عقد کنه در همان شب اول. من گفتم نه با این سرعت، نه حالا... داداش کوچیکم گفت نه تو ساکت باش من این آقا را تضمین می‌کنم، همین امشب عقد کنیم».

دلایل اجبار برای ازدواج نیز متفاوت بود. مصحلت‌اندیشی خانواده برای حفظ روابط با خویشاوندان و حفظ منافع اقتصادی در درون خانواده منجر به فشار خانوادگی برای انجام ازدواج شده بود. خانمی بیان کرد: «موقع خرید عقد (وقتی

بود و برای مهریه خیلی سخت‌گیری کرد. مهریه‌ای که تعیین کردیم ۵۰ میلیون بود. خودم که راضی نبودم اون‌ها هم می‌دونستند که ندارم بدم... می‌گفتند مهریه‌رو کی داده و کی گرفته، اما بعداً موقع طلاق نه تنها مهریه‌رو بلکه نفقه را هم درخواست کردند».

شتابزدگی: یکی از ویژگی‌های مهم در میان مشارکت کنندگان، ازدواج‌های سریع و با فاصله کم از زمان خواستگاری و یا در همان مراسم خواستگاری اولیه بود. خانمی گفت: «ساعت ۱۰ شب اومدند خونه ما خواستگاری... همان شب می‌خواستند عقد کنند. فردا رقتیم خرید و عصر جشن گرفتند و عاقد آورند تا مارو عقد کنند».

عدم شناخت کافی از همسر: شناخت ناکافی دو همسر و خانواده‌های آن‌ها از یکدیگر در تعداد زیادی از نمونه‌ها بیان شد. انتخاب همسر برای بسیاری از مشارکت کنندگان (به خصوص دختران) توسط خانواده انجام شده بود. تحقیق در مورد زوج یا زوجه توسط خانواده انجام گرفته بود و اغلب به شناخت کلی از خانواده‌ها محدود بود. «پدرم خانواده همسر را می‌شناخت و می‌گفت آدم‌های خوبی هستند. عروساش از خانواده فلانی‌ها و داماداش از خانواده فلانی‌ها هستند».

شناخت ناکافی زوجین از یکدیگر حتی هنگامی که دو همسر با یکدیگر نسبت فامیلی نیز داشتند، مشهود بود: «همسرم پسر عمه‌ام بود، بنابراین از بچگی با ما زندگی می‌کرد تا وقتی که بزرگتر شده بود و داشت نامحرم می‌شد، اما من اونو نمی‌شناختمش».

حتی در برخی موارد ویژگی‌هایی مانند سن، شغل، درآمد، سلامت و وضعیت خانوادگی نیز مورد توجه قرار نمی‌گرفت و مرحله اصلی شناخت دختر و پسر از یکدیگر و حتی خانواده‌ها و بیان انتظارات، مربوط به زمان پس از عقد بود که دو همسر به عنوان محارم اجازه برقراری روابط کلامی و جنسی را داشتند: «همسر از پشت در صدای منو شنیده بود و به پسر عموم گفته بود که من اینو می‌خوام. روز بعد اومدند خواستگاری... پدرم اونو دید گفت پسر خوبیه و جواب مثبت داد و بعد گفت فکر کنم هرچه دیرتر ازدواج کنه بهتره. اون گفته بود اگر اونو به من ندید خودمو می‌اندازم زیر ماشین».

متوجه شده که عروس خود اوست و نه خواهرش) فرار کردم بیام خونه. پدرم و برادرم اومدند، پیدام کردند و دو تا سیلی بهم زدند و مجبورم کردند برگردم. پدرم می‌گفت که این خواستگار پسر عمه‌ات است. ما خواهر و برادر نمی‌خوایم غریبه بیاد توی خونادمون. می‌خواست اموال خودش و خواهرش یکی بشه».

عرف‌گرایی و توجه به سنت‌های اجتماعی مانند محدودیت سنی برای ازدواج و نیز لزوم رعایت ترتیب سنی ازدواج به خصوص برای دختران بر اساس فرهنگ، انگیزه دیگر اجبار به ازدواج برخی مشارکت کنندگان از سوی خانواده آن‌ها بود. «ما ۴ تا خواهر بودیم. توی روستا اگه سن دختری از ۲۰ سال بیشتر بشه، می‌گن توی خونه مونده. از این می‌ترسیدن (بزرگترها)... پدر بزرگم می‌گفت شما ۴ تا دختر هستید، تو دختر بزرگتری و باید ازدواج کنی تا بقیه خواهرات هم بتونند ازدواج کنند».

توافق و تأیید خانواده به لزوم تأیید ازدواج توسط خانواده به ویژه برای دختران، به یک امر بدیهی پذیرفته شده اشاره دارد که منجر به ایجاد فرصت تصمیم‌گیری والدین به جای فرزندان و حتی پذیرش اجباری تصمیم گرفته شده توسط برخی مشارکت کنندگان شده بود. «شوهرم اومد خواستگاری. پدرم گفت: پسر خوبیه. مادرم گفت خوب دخترمونو بهش بده و من هم دیگه حرفی نردم».

بی‌توجهی به احساسات و عواطف نسبت به همسر توسط والدین به عنوان ولی فرزندان در برخی مشارکت کنندگان منجر به انجام ازدواج توأم با کینه و بی‌علاقگی می‌شود و انتظارات منفی از ازدواج را افزایش می‌دهد. خانمی اظهار داشت: «از همون اول بهش علاقه نداشتیم، وقتی اومد خواستگاریم گفتیم نمی‌خوام. مادر بزرگ و پدر بزرگم گفتند غلط کرده... زندگی ما از اول خراب بود، از اول دوست نداشتیم باهاش ازدواج کنیم، همون اول هم بهش گفتیم اگه سال‌ها هم بگذره، طلاق می‌گیریم. باهاش نمی‌ساختیم... فایده نداشت که نداشت ۱۳ سال باهاش زندگی کردم... ما می‌دونستیم طلاق می‌گیریم».

اجبار برای پذیرش شرایط ازدواج و مهریه نیز از سوی برخی مشارکت کنندگان مطرح شد. «پدر خانم آدم مادی

بود، اما بعد از ۱۱ ماه متوجه شدم، اشتباه کردم... اون پولش را برای خودش نگه می‌داشت، بد اخلاقی هم می‌کرد و خرافاتی بود... برای همین گذاشتمش کنار».

بیان نشدن انتظارات به دلایل عدم فرصت کافی و شتابزدگی در انجام مراسم عقد و ازدواج بود. بدیهی دانستن انجام آن‌ها ناشی از نقش‌های تعریف شده برای زن و مرد در ازدواج و تعارفات اجتماعی می‌باشد.

کتمان و پنهان کاری (عدم صداقت): عدم ابراز واقعیت‌های مؤثر بر سرنوشت زندگی در هنگام ازدواج توسط برخی مشارکت کنندگان بیان شد. کتمان بیماری، کتمان اعتیاد، شغل و درآمد واقعی، ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی و علاقمند بودن و ارتباط داشتن با فرد دیگر قبل از ازدواج از جمله موارد پنهانی بود. مشارکت کننده مردی بیان کرد: «فهمیدم قبل از ازدواج با کس دیگری دوست بوده».

سهل‌انگاری در ارزیابی ملاک‌ها و معیارها: برای انجام ازدواج معیارها و ملاک‌هایی مورد نظر بود که نحوه ارزیابی آن توسط زوجین و خانواده‌هایشان در این طبقه بررسی می‌شود.

سهل‌انگاری و کم‌توجهی به شواهد احتمالی، وجود عامل ایجاد کننده اختلاف و در مواردی حتی آگاهی کامل از آن قبل از عقد نیز بیان شد که به راحتی از سوی دو همسر و یا خانواده آن‌ها قبل از مراسم عقد نادیده گرفته شده بود، اما بعد به عنوان دلیلی برای درخواست طلاق استفاده گردید. «پدرم می‌دانست که پسر عمهام با دختر دیگری ارتباط داشته، اما گفت مشکلی نداره. قبل از ازدواج سیگار می‌کشید، به پدرم گفتم این سیگار می‌کشه، من نمی‌تونم با سیگار کشیدنش کنار بیام و پدرم گفت من کاری می‌کنم که سیگار رو کنار بذاره».

خجالتی بودن، خسیس بودن، داشتن اعتیاد، رابطه با فرد دیگر و شناخت ویژگی‌های نامناسب رفتاری خانواده همچون دخالت کردن در امور همسران، از جمله مواردی بود که قبل از ازدواج به آن توجهی نشده بود، اما بعد به عنوان عاملی برای اختلاف و درخواست طلاق معرفی گردید

بحث

تحقیق حاضر با هدف بررسی ازدواج زوج‌های مطلقه انجام

مادرم گفت ولش کن بدیم بهش. بعدها فهمیدم صرع داره... خانواده‌اش با من خوب رفتار نمی‌کردند. خوب وقتی طرفت و خانواده‌اش را شناسی، مشکل پیش می‌آید... تحقیق درست حسابی نکرده بودیم».

تعیین در انجام عقد و به خصوص هم‌زمانی مراسم آشنایی، خواستگاری و عقد منجر به عدم شناخت کافی دو همسر از یکدیگر شده بود. «یکی همسر قبلی رو به من معرفی کرد و با مادرم رفتیم خواستگاری. حدود بیست دقیقه باهاش صحبت کردم که به نظرم خیلی خجالتی اومد. اون موقع ویژگی خوبی به نظرم اومد و فکر می‌کردم خوب از نجابتشه. تمام سنگ‌ها (مهریه و مراسم) را واکندید و تحقیق کردیم و دو روز بعد ازدواج کردیم، اما بعد متوجه شدم که اون اصلاً تمایلی به روابط همسری نداره».

انتظارات غیر متعارف از ازدواج: برخی شرکت کنندگان با دلایل و انگیزه‌های غیر متعارف اقدام به ازدواج نموده بودند و با وعده‌هایی برای انجام ازدواج تشویق شده بودند. یک مشارکت کننده ۴۵ ساله گفت: «قبل از این که برم خدمت سربازی، مشکل مالی داشتم... گولم زدند و گفتند اگر با این خانم ازدواج کنی از سربازی معاف می‌شی و می‌گذاریمت سر کار. منم گول خوردم و با وجود مخالفت پدر و مادرم با خانمی ازدواج کردم که ۱۲ سال از من بزرگتر بود و بعدش هم مجبور شدم برم سربازی و هم کاری برام پیدا نکردند».

برخی مشارکت کنندگان با انتظار غیر واقع‌بینانه از تحت تسلط کامل قرار گرفتن و تغییر اساسی یافتن همسر بعد از ازدواج اقدام به این امر نموده بودند: «قبل از ازدواج به من می‌گفت من بعد از ازدواج همانی می‌شم که تو می‌خواهی... منم باور کردم، اما بعد از عقد این‌طور نشد».

انتظارات بیان نشده: تعداد زیادی از مشارکت کنندگان به این نکته اشاره داشتند که شرایط و ملاک‌های مورد انتظار برای ازدواج، در هنگام ازدواج از سوی آن‌ها و یا همسرشان و خانواده‌ها به طور صریح بیان نشده و مورد توافق قرار نگرفته است. آقای ۲۶ ساله‌ای گفت: «یکی از مسایلی که باعث شد با همسرم ازدواج کنم، این بود که اون کارمند بود. من فکر می‌کردم که کمک خرجی من می‌شه. از من ۱۲ سال بزرگتر

دلایل انجام ازدواج بود که در منابع دیگر نیز به آن اشاره شده است (۲۸، ۲۴).

در ارتباط با چگونگی ازدواج، «معیارهای انتخاب همسر» به عنوان اولین زیرطبقه مطرح گردید. برخی معیارهای مورد نظر مشارکت کنندگان مطالعه مشابه معیارهای سایر مشارکت کنندگان در تحقیقات دیگر و شامل ملاک‌های رفتاری، عاطفی- روانی، اقتصادی، مذهبی و زیستی بود (۱۹، ۱۸)، اما پر شدن خلأهای زندگی از جمله خلأ عاطفی و اقتصادی قبل از ازدواج توسط همسر، از جمله دلایل و انگیزه‌های ازدواج در این مشارکت کنندگان محسوب می‌شد که در تحقیقات دیگر به آن توجه نشده است. انتظارات غیر واقع‌بینانه به صورتی که همسر تمام خلأها و کمبودهای قبل از ازدواج آن‌ها را پر کند، در آشفته‌گی زندگی زناشویی نقش مهمی دارد (۳۰، ۲۹) و به مداخله برای اصلاح این رفتارها نیاز است.

علاقمندی به ازدواج و همسر انتخاب شده از معیارهایی بود که برخی نمونه‌های پژوهش را از بدو ازدواج دچار چالش نموده بود و به نظر می‌رسد که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. صورت و فیزیک مناسب مطابق سایر تحقیقات مد نظر بود، اما تفاوت سنی به ویژه هنگامی که زن از مرد بزرگتر بود، برای خود مردان نیز به عنوان یک ناهنجاری تلقی می‌شد (۳۱). در حالی که اغلب تحقیقات به بررسی معیارهای انتخاب همسر اقدام نموده‌اند، اما نتایج پژوهش حاضر نه تنها تفاوت معیارهای مورد نظر فرزندان و خانواده مانند تداوم تأکید بر ازدواج فامیلی و کارکردهای اقتصادی و اجتماعی ازدواج را مطرح کرد، بلکه نشان داد که بیشتر والدین و خانواده‌ها در انتخاب همسر نقشی اساسی دارند. بنابراین نیاز است تا تلاش‌هایی در جهت اصلاح معیارها و هماهنگی بین فرزندان و خانواده صورت گیرد.

دومین زیرطبقه، شرایط تصمیم‌گیری ازدواج توسط مشارکت کنندگان و والدین بود. اجبار به ازدواج از سوی والدین توسط مشارکت کنندگان بیان شد و دلایل این اجبار، مصلحت‌های خانوادگی برای تأکید بر ازدواج‌های فامیل و لزوم تأیید صلاحیت شدن همسر توسط خانواده (پدر) به خصوص برای دختران بود. ازدواج در خانواده‌های سنتی مبتنی بر خویشاوندی است و والدین

شد و نتایج آن در درون‌مایه اصلی ازدواج مسأله‌دار و در دو زیرگروه انگیزه‌ها و چگونگی ازدواج بیان شد. وابستگی عاطفی به همسر قبل از ازدواج به عنوان یکی از دلایل ازدواج در تعداد محدودی از نمونه‌های پژوهش مطرح گردید. برخی از نمونه‌ها علاقه به فرد دیگر و برخی احساس تنفر از همسر در هنگام عقد و ازدواج را به عنوان عامل اساسی در انجام طلاق بیان نمودند؛ در حالی که طبق کارکردهای سنتی در ایران و جهان، عامل تمایل عاطفی و عشق بین دو همسر قبل از ازدواج توسط خانواده‌ها و حتی زوجین کمتر مورد توجه بوده است (۲۲). بر اساس نتایج مطالعات متعدد، در سال‌های اخیر و در فرایند تغییر ازدواج از نوع سنتی به تجددگرایی، «عشق» امری لازم و ضروری برای ازدواج در فرهنگ غربی (۲۳) و از چالش‌های جامعه در حال گذار است (۲۴).

برخی تحقیقات جدید انجام شده در ایران نیز عشق و علاقه را به عنوان یکی از موضوعات مورد توجه در ازدواج زوج‌های ایرانی مطرح نمودند (۲۵) و برخی مطالعات نیز یکی از علل طلاق را احساس عدم علاقه به همسر معرفی کردند (۲۶)، اما باید توجه کرد که مفهوم آن برای جوانان یک تجربه مثبت عاطفی نیست، بلکه احساس تعهد به یک مشارکت خودخواسته می‌باشد (۲۴). بنابراین به نظر می‌رسد که خانواده‌ها به عنوان تصمیم‌گیران ازدواج، باید به مقوله احساس و اثر آن (به خصوص احساسات منفی هنگام ازدواج) برای پیشگیری از طلاق توجه نمایند.

احساس تمایل و نیاز به برقراری روابط جنسی از دیگر عوامل مؤثر جهت اقدام برای ازدواج زوجین در پژوهش حاضر بود که در برخی پژوهش‌های دیگر نیز مشاهده شده است (۳). این امر یک انتظار واقع‌بینانه از ازدواج می‌باشد (۲۷). ساروخانی و مقربیان ازدواج را پیوند جنسی به رسمیت شناخته شده از نظر اجتماعی و پسندیده بین دو فرد بزرگسال تعریف کرده‌اند (۲۲). اختلالات جنسی و عدم رضایت از روابط زناشویی یکی از دلایل مهم طلاق است که اغلب به دلیل شرم و حیا نیز بازگو نمی‌شود (۳). پذیرفته بودن ضرورت انجام ازدواج به عنوان یک هنجار اجتماعی و تکلیف مذهبی و همچنین نگرانی برای از دست رفتن فرصت ازدواج، از دیگر

اغلب تفاوت‌های فرهنگی را به عنوان عامل ایجاد اختلاف در زندگی زناشویی می‌دانند (۳۲). عوامل همبسته اجتماعی در فرایند مدرنیزه شدن تضعیف شده و دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت پیدا کرده‌اند و فرد محوری جایگزین خانواده محوری گردیده است (۳۳).

در خانواده سنتی ایرانی، خانواده تحت نظام پدرسالاری قرار داشت و همسرگزینی در دهه‌های گذشته بیشتر توسط خانواده برای فرزند انجام می‌شد (۳۴). اگرچه نتایج آماری بیانگر آن است که در سال‌های اخیر الگوی انتخاب همسر برای فرزندان تغییر کرده، اما در این حد نبوده که نقش خانواده برای انتخاب همسر حذف گردد (۲۲). در ارتباط با دختران، انتخاب همسر از سوی آنان یک ضد ارزش تلقی می‌شود. اگرچه این امر از نظر اسلامی بلامانع می‌باشد. سختگیری والدین نسبت به دختران در تمام اقوام ایرانی اشاره شده است (۳۴). از نظر مذهبی و قوانین مدنی به خصوص در ازدواج دختر باکره، رضایت پدر الزامی است (۲۸)، با وجود این که موقوف بودن ازدواج دختر باکره به اجازه پدر یا جد پدری جهت رضایت زوج و زوجه برای ازدواج ضرورت دارد و آن‌ها به شخصه باید ثبت عقد را امضا نمایند (۳۵). این در حالی است که به نظر می‌رسد در تعدادی از نمونه‌هایی که با توسل به اجبار و بر خلاف میل باطنی و حتی علاقمندی آن‌ها به فرد دیگر ازدواج کرده بودند، ضمن عدم رعایت شرایط عقد قابل قبول، خشم علیه والدین یا خانواده و احساسات منفی علیه همسر و زندگی مشترک ایجاد شده بود و موجب تصمیم‌گیری برای طلاق در همان شب ازدواج شده بود. در برخی مطالعات دیگر نیز ازدواج‌های اجباری گزارش شده است (۸، ۳). عدم علاقه به همسر از دلایل ذکر شده برای طلاق در قرآن نیز ذکر شده است (۳۶). در نسل‌های گذشته نظر والدین مورد پذیرش فرزندان بود (۳۷، ۳۲)، اما نسل جدید انتخاب همسر را امری فردی و حق انتخاب را بر اساس ترجیح عقل‌گرایی بر سنت‌گرایی متعلق به خود می‌دانند (۳۳) و کارکرد خانواده از انتخاب همسر به سمت حمایت‌های مالی و معنوی برای تأمین هزینه‌ها و یا مشارکت در مراسم تغییر یافته است (۳۲).

ویژگی اغلب ازدواج مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، تعجیل و شتاب در اجرای مراسم عقد با فاصله بسیار کوتاه پس از خواستگاری و به خصوص برگزاری مراسم عقد در همان جلسه خواستگاری بود. ازدواج در ایران آداب و رسوم خاصی دارد و شامل مراسم خواستگاری، چگونگی ملاقات دختر و پسر قبل از عقد، مراسم نامزدی، تعیین مهریه و جهیزیه، خرید عقد و عروسی و پاتختی می‌باشد. توجه به انجام مراسم عقد و عروسی و نوع و مقدار مهریه و جهیزیه در نسل‌های جدید بیشتر از نسل‌های گذشته مورد توجه قرار می‌گیرد (۳۲) که این امور در میان مشارکت کنندگان پژوهش نیز بیان شد، اما ازدواج‌های سریع و یا با فاصله بسیار کم، در طی سه نسل در تهران کاهش یافته است (۳۲). آزاد و همکاران با مطالعه بر روی سه نسل متوالی در تهران، به این نتیجه رسیدند که بین خواستگاری و عقد در سیستم سنتی دیداری بین عروس و داماد در نسل اول تا دوره دوم صورت نمی‌گرفته است و در نسل سوم دختران و پسران قبل از ازدواج با حضور خانواده و یا در رفت و آمدهای خانوادگی با هم آشنا شده بودند؛ چرا که ازدواج‌های امروزی بیشتر خارج از دایره خویشاوندان می‌باشد و لزوم شناخت و آشنایی با خانواده به زمان بیشتری نیاز دارد (۳۲). همچنین شناخت از همسر، قبل از ازدواج یک ارزش است (۲۴).

به نظر می‌رسد که شناسایی دو همسر امری ضروری است و باید فرصت و شرایط مناسب آن به منظور پیشگیری از طلاق فراهم گردد (۸). نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که ازدواج سریع منجر به عدم شناخت کافی دو همسر از یکدیگر شده و گاهی خانواده شناخت کافی و اغلب ناکافی خود را جایگزین شناخت دو همسر کرده و آن را برای انجام ازدواج کافی دانسته بود. بر این اساس به انجام عقد فرزندان رضایت دادند و یا آن‌ها را وادار به ازدواج نمودند. توجه به ارتباط عاطفی بین دو همسر و حتی احساس تنفر آن‌ها در هنگام ازدواج، توسط والدین کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که در نسل کنونی به علاقه بین دختر و پسر اهمیت داده می‌شود و بر ویژگی‌های همسر به جای ویژگی‌های خانواده و اصل و نسب آن‌ها توجه می‌گردد (۳۳).

نیست، از مشکلات دیگری بود که در میان مشارکت کنندگان پژوهش حاضر مشاهده شد. نتایج ازدواج بر اساس شناخت کلی خانواده‌ها از یکدیگر و نه بررسی دقیق جزئیات انجام شده بود و حل مشکلات اساسی همچون اعتیاد، به امید حل شدن تحت تأثیر عواملی مانند زمان و داشتن فرزند در هنگام ازدواج مورد توجه قرار نگرفته بود. با ازدواج‌های سریع امکان شناخت طرفین قبل از ازدواج فراهم نمی‌شود. بنابراین پس از عقد، آن‌ها شروع به آشنا شدن می‌نمایند و به عدم تفاهم‌ها پی می‌برند.

در مطالعه مشکی و همکاران نیز ۶۶ درصد زوجین عدم آشنایی با همسر را ذکر نموده بودند (۸). این در حالی است که اغلب مشارکت کنندگان، مراسم سنتی ازدواج شامل خواستگاری، تعیین مهریه، خرید عروسی، جشن عقد و عروسی و خرید جهیزیه حتی در موارد فامیلی را با جزئیات و سخت‌گیری و گاهی همراه با نارضایتی و دلخوری انجام داده بودند. مهریه تعیین شده به جای ایفای نقش هدیه، به عنوان ابزار فخر خانواده‌ها به یکدیگر و با تعبیر کی داده و کی گرفته به عنوان ابزاری برای طلاق واز هم گسیختگی خانواده مورد استفاده قرار گرفت. مطالعات دیگر نیز بر تداوم آداب و رسوم ساختاری ازدواج و گسترده‌تر شدن آن اشاره دارد (۳۳، ۳۲).

اگرچه محققین قبلی از آغاز پژوهش با نگارش پیش‌فرض‌های خود در خصوص افراد مطلقه، تلاش نمودند تا اثرات احتمالی این پیش‌فرض‌ها را در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری دخالت ندهند، اما به هر حال شرایط اجتماعی متفاوتی وجود دارد. عدم انجام مصاحبه با اعضای خانواده افراد مطلقه و همسران قبلی آن‌ها که می‌توانست برای تأیید داده‌ها کمک کننده باشد نیز از سایر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود.

نتیجه‌گیری

زوج‌های مطلقه اغلب زندگی خود را با انجام ازدواج‌های آسیب‌پذیر در شرایط تعجیل، عدم شناخت و اجبار با تأکید بر اجرای مراسم آغاز کرده بودند. با تغییر کارکرد سنتی ازدواج و افزایش تمایل به پایان دادن ازدواج‌های همراه با نارضایتی از

انتظارات غیر واقع‌بینانه و به خصوص انتظارات و معیارهای بیان نشده از یکدیگر در زندگی مشترک مانند مشارکت مالی، رفتارهای جنسی، رفتارهای اجتماعی، روابط خانوادگی و به توافق نرسیدن نسبت به آن‌ها هنگام انجام مراسم عقد و ازدواج در بسیاری از مشارکت کنندگان وجود داشت که علت آن در برخی مواقع، کتمان و بعضی اوقات عدم فرصت بیان انتظارات به دلیل ازدواج سریع و گاهی نیز پیش‌فرض ازدواج دانسته شدن آن‌ها بود که در اغلب موارد منجر به طلاق می‌شد. انتظارات زناشویی عبارت است از استانداردها و فرضیه‌های ذهنی و چارچوب‌های از پیش تعیین شده و باید و نبایدهایی که زوجین در مورد همسر و زندگی زناشویی دارند و ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد یا نباشد (۲۷). به عبارت دیگر منظور از انتظار ازدواج، میزان رضایت و یا نارضایتی و احتمال طلاق است که فرد برای ازدواج خود پیش‌بینی می‌کند و از آن جهت اهمیت دارد که پیامدهای زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظارات می‌تواند به عنوان اهداف غیر واقع‌بینانه عمل کند و افراد پیامدهای به وجود آمده را با این انتظارات غیر واقع‌بینانه مقایسه می‌کنند. همان‌طور که نتایج مثبت خوشحال کننده است، نتایج منفی خطر ناامیدی و دلسردی را به همراه دارد (۲۹، ۲۷) و آشنایی با وظایف و مشکلات احتمالی و عادت‌های مورد نیاز تا حدی با انتظارات رمانتیک و ایده‌آل‌گرایانه در ازدواج فاصله دارد (۴۰-۳۸).

کتمان، پنهان کاری و عدم صداقت مانند اعتیاد، بیکاری، بیماری و حتی علاقه به فرد دیگر در شرایط تصمیم‌گیری ازدواج حاکم بود و تأثیر زیادی بر آن داشت. صداقت به عنوان یکی از معیارهای ازدواج در بسیاری از مطالعات امتیاز بیشتری از عشق و علاقه و وضعیت اقتصادی گرفته است. بنابراین احتمال آسیب دیدن پیوند در شرایط عدم صداقت به عنوان انتظار برآورده شده، قابل پیش‌بینی می‌باشد که در صورت صداقت در بسیاری از موارد قابل کنترل می‌باشد (۱۰).

سهل‌انگاری در انتخاب همسر و توجه به ویژگی‌های اساسی و ضروری برای ازدواج مانند ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری، شغل، میزان تحصیلات و درآمد در برابر سخت‌گیری برای انجام مراسم عقد و ازدواج و تعیین مهریه سنگین که به وضوح بر اساس شغل و میزان درآمد همسر قابل دسترس

تشکر و قدردانی

تحقیق حاضر در مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت دانشگاه علوم پزشکی گناباد انجام شد. بدین وسیله نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از دانشگاه علوم پزشکی گناباد و همچنین مشارکت کنندگان که با در اختیار گذاشتن تجربه خود امکان انجام این پژوهش را فراهم نمودند، اعلام می‌دارند.

سوی زوجین، به نظر می‌رسد که برای حفظ جایگاه خانواده و همراهی با تغییرات نسلی، لازم است مراسم ازدواج به گونه‌ای اجرا گردد که جو حاکم بر آن به پایداری و تداوم ازدواج به خصوص از طریق افزایش شناخت و درک متقابل و توافق در ملاک‌های ضروری بین زوجین و خانواده‌های آن‌ها قبل از ازدواج منجر شود تا با پیشگیری از ازدواج‌های آسیب‌پذیر، شانس طلاق کاهش یابد.

References

1. Goode WJ. World revolution and family patterns. New York, NY: Free Press of Glencoe; 1963.
2. Adams BN. Families and family study in international perspective. *Journal of Marriage and Family* 2004; 66(5): 1076-88.
3. Foroutan S, Jadid Milani M. The prevalence of sexual dysfunction among divorce requested. *Daneshvar Med* 2009; 16(78): 39-44. [In Persian].
4. yaghoubzadeh N. The development of a divorce, the research, Khorasan. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences* 2011; 5(11): 1168-72.
5. Yazd Kasti H, Mansori N, Zadeh Mohammadi A, Ahmad Abadi Z. The relation of inclination and guilt feeling of divorce on stress, depression and anxiety of those are to divorce in Esfahan and Arak. *Journal of Family Research* 2008; 4(15): 263-75. [In Persian].
6. Amato PR, Previti D. People's reasons for divorcing: gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of Family Issues* 200; 24(5): 602-26.
7. Amato PR, Rogers SJ. A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *Journal of Marriage and Family* 1997; 59(3): 612-24.
8. Moshki M, Shahghasemi Z, Delshad NA, Moslem AR. The survey of condition and related factors to divorce from divorced couples' viewpoint of Gonabad city in 2009-2010. *Ofogh-e-Danesh* 2011; 17(1): 35-44. [In Persian].
9. Honarian M, Younesi J. The study of divorce reasons in Tehran family courts. *Journal of Clinical Psychology* 2011; 1(3): 125-53. [In Persian].
10. Bolhari J, Ramezanzadeh F, Abedininia N, Naghizadeh MM, Pahlavani H, Saberi M. The survey of divorce incidence in divorce applicants in Tehran. *J Fam Reprod Health* 2012; 6(3): 129-37.
11. Stanhope M, Lancaster J. Community and public health nursing. New York, NY: Mosby; 2011.
12. Rasmussen P, Ferraro KJ. The divorce process. *Alternative Lifestyles* 1979; 2(4): 443-60.
13. White LK. Determinants of divorce: A review of research in the eighties. *Journal of Marriage and Family* 1990; 52(4): 904-12.
14. Guttman J. Divorce in psychosocial perspective: Theory and research. New York, NY: Psychology Press, 1993.
15. Friedman MM. Family nursing: research, theory, and practice. New Jersey, NJ: Prentice Hall; 2004.
16. Debaei A, Saadati N. Evaluation of divorce causes in cases referred to family court of justice in Ahwaz city 2004-2005. *Journal of Social Development* 2008; 3(1): 95-114. [In Persian].
17. Kameli MJ. A descriptive study of factors affecting the incidence of social pathology divorce in society according to the statistics and records. *Danesh-e-Entezami* 2015; 9(3): 180-98. [In Persian].
18. Hoseini M, Mohammadi M, Yaghmaie F, Alavi Majd H. Criteria of marrying couples for mate selection in Tehran. *Pajoohandeh Journal* 2008; 12(6): 505-12. [In Persian].
19. Haghighizadeh M, Kararmi KH, Soltani T. The criteria of spouse choosing in viewpoint of Ahwaz Jundishapur University of Medical Sciences students. *Jundishapur Journal of Health Sciences* 2010; 2(2): 44-55. [In Persian].
20. Denzin N, Lincoln YS. Collecting and interpreting qualitative materials. New York, NY: SAGE Publications, 2003.
21. Corbin J, Strauss A. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory. New York, NY: SAGE Publications; 1998.
22. Saroukhani B, Mogharabian M. The surveying sociological relation between modernity and mate selection among Tehran women (a comparison between districts 1 and 11. *Journal of Sociology* 2008; 4(2): 103-28. [In Persian].

23. Wright DW, Simmons LA, Campbell K. Does a marriage ideal exist? Using Q-sort methodology to compare young adults' and professional educators' views on healthy marriages. *Contemporary Family Therapy* 2007; 29(4): 223-36.
24. Delkhamoush MT. Iranian youth marital values. *Developmental Psychology* 2007; 3(12): 299-310. [In Persian].
25. Farahbakh K, Shafi Abadi A. A study and comparison of the loving dimensions according to the three-dimensional theory of Strasburg in different periods of affianced spousal, marriage and having offspring among four groups of couples. *Knowledge & Research in Applied Psychology* 2006; 8(30): 1-20. [In Persian].
26. Khojastehmehr R, Takrimi A. Identification of divorce factors of women. *Journal of Applied Sciences* 2009; 9: 3758-63.
27. Alidoust A. The phenomenological role of a guardian's permission for the marriage of a maiden daughter. *Womens Strategic Studies* 2010; 12(48): 253-93. [In Persian].
28. Hoseini M, Mohammadi M, Yaghmaie F, Alavi Majd H, Yazdjerdi M. Marriage criteria of brides in Tehran. *J Nurs Midwifery Shahid Beheshti Univ Med Sci* 2006; 16(53): 19-28. [In Persian].
29. McNulty JK, Karney BR, McNulty JK. Positive expectations in the early years of marriage: should couples expect the best or brace for the worst? *J Pers Soc Psychol* 2004; 86(5): 729-43.
30. Omidvar B, Fatehi Zadeh M, Ahmadi SA. The effect of premarital training on marital expectations and attitudes of university students in Shiraz. *Family Research* 2009; 5(18): 231-46. [In Persian].
31. Kazemipour S. The transformation of marriage in Iran, and the impact of demographic factors. *Women in Development & Politics* 2004; 10: 103-25. [In Persian].
32. Azad T, Zand M, Khazaei T. During the three generations of family, social and cultural developments in Tehran: with emphasis on comparing the ceremonies, rituals and support functions. *Journal Human Sciences* 2003; 12-13(44-45): 1-24. [In Persian].
33. Nikparvar F, Panghi L, Mazaheri A. Alteration in marriage criteria in three generations: the presentation of a primary grounded model. *Journal of Family Research* 2011; 7(26): 187-206. [In Persian].
34. Sadeghi R, Afsharkohan J, Ghodsi AM. Exploring marriage problem and validation of a solution. *Women in Development & Politics* 2007; 1: 83-108. [In Persian].
35. Azarpour H, Hojati GH. The directive sets record. Tehran, Iran: Ganje Danesh Publications; 1993. [In Persian].
36. Hakim SM, Zahedi Far B. Divorce causes and strategies for decreasing it from the viewpoint of the Holy Quran. *Womens Strategic Studies* 2010; 13(49): 293. [In Persian].
37. Asgari A, Abasi MJ, Sadeghi R. Mothers, daughters, and marriage (intergenerational differences in marriage attitudes in the city of Yazd, Iran). *Womens Strategic Studies* 2009; 11(44): 7-36. [In Persian].
38. Nilforooshan P, Abedi A, Ahmadi A, Navidian A. Studying the factor structure, reliability, and validity of the marriage expectation scale (MES). *Journal of Behavioral Sciences* 2011; 5(1): 3-4. [In Persian].
39. Sharp EA, Ganong LH. Raising awareness about marital expectations: are unrealistic beliefs changed by integrative teaching? *Family Relations* 2000; 49(1): 71-6.
40. Salimi J, Karimi M. Survey the effect of Lazarus's theory's instruction on the attitude change toward Choice of spouse among female students. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy* 2012; 1(4): 512-33. [In Persian].

The problematic marriage of divorced couples: a qualitative research

Shahla Khosravan¹, Mehdi Moshki², Alireza Moslem³, Vajiheh Arman-Mehr⁴

Original Article

Abstract

Introduction: Although divorce is related to marriage and is usually due to unsuccessful marriage, the marriage of divorced couples is less studied.

Method: This research was performed using a qualitative exploratory research design. Unstructured in-depth interviews were conducted with 12 divorced subjects. The collected data were analyzed using constant comparative method.

Results: The main theme of “problematic marriage” with two subcategories of “motivations” and “conditions” were achieved in this research. The subcategories consisted of 2 subclasses of “marriage criteria” and “decision-making conditions for marriage”. It seems that the traditional function of marriage is changing even in small and traditional societies and couples’ willingness to end unsatisfying marriages has increased.

Conclusion: The majority of divorces in this study were related to problematic marriages especially marriages begun in haste, with inadequate knowledge of each other, and without consent of either party. Therefore, it is necessary that the marriage ceremony is performed in a way that increases the stability and continuity of the marriage.

Keywords: Divorce, Marriage, Qualitative study

Citation: Khosravan SH, Moshki M, Moslem A, Arman-Mehr V. **The problematic marriage of divorced couples: a qualitative research.** J Qual Res Health Sci 2015; 4(2): 112-24.

Received date: 22.4.2015

Accept date: 23.6.2015

1- Associate Professor, Department of Community and Mental Health, School of Nursing and Midwifery, Social Determinants of Health Research Centre, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

2. Associate Professor, Social Development and Health Promotion Research Center AND Department of Public Health, School of Public Health, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

3- Assistant Professor, Department of Anesthesiology, Faculty of Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran

4-Researcher, MSc in Sociology, Social Development and Health Promotion Research Center, Gonabad University of Medical Sciences, Gonabad, Iran

Corresponding Author: Mehdi Moshki, Email: drmoshki@gmail.com